

شبیه‌سازی انسان در عرفان و ادیان غیراسلامی و آثار حقوقی آن

مصطفی عامری سیاهوئی^۱

فاروق طولی^۲

محمد نجاتی^۳

چکیده

شبیه‌سازی به عنوان تکنولوژی نوظهور، کانون توجه دولتمردان، پزشکان، حقوقدانان، فقها و سایر محافل علمی قرار گرفته است. در جریان شبیه‌سازی که انتقال هسته سلول جسمی به تخمک بدون هسته است، موجودی مطابق با صاحب سلول جسدی به وجود می‌آید و این پدیده علاوه بر اینکه دریچه‌ای نو به روی جامعه بشری در خصوص خصایص درمانی‌اش باز می‌کند، نگرانی‌هایی را پیش‌روی جامعه بشری قرار می‌دهد با این حال نظری قاطع درباره جواز یا حرمت آن توسط فقها بیان نشده است.

عالمان یهودی در زمینه شبیه‌سازی درمانی سه دیدگاه متفاوت حرمت، جواز و وجوب را اختیار نموده‌اند. و آیین مسیحیت با استناد به اصولی چون حفاظت از کرامت انسانی، شبیه‌سازی را ممنوع اعلام نموده‌اند. از طرفی توجه متفکرین عالم، بویژه عالمان دین و اخلاق را به خود مشغول کرده است و از نظر بسیاری از مخالفان، شبیه‌سازی انسان حداقل با بعضی از آموزه‌های اصلی دین ناسازگار است و اعمال این تکنیک در عرصه انسانی، به لحاظ اعتقادی با ایمان و عقاید اسلامی منافات دارد. پاره‌ای از اخلاق گریبان و عارفان بودایی نیز در این زمینه با حمایت مشروط از اعمال این گونه فناوری اظهار می‌دارند؛ تا آنجا که این شیوه به نفع زوج‌هایی باشد که آرزوی داشتن فرزند را دارند و درد و محنتی را به همراه نداشته باشند قابل اعمال است و در مقابل این اندیشه، پاره‌ای دیگر از عرفای بودایی براین عقیده‌اند که تولید مثل انسان از این رهگذر، باعث می‌گردد بنیان و شالوده آدمی تحلیل رود.

در این نوشتار سعی شده شبیه‌سازی انسان در عرفان و ادیان غیراسلامی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مباحث قید شده درباره شبیه‌سازی می‌توان نسب طفل شبیه‌سازی شده را مشروع دانست و همانند فرزند طبیعی حقوق حضانت، ولایت، نفقه، توارث، وصیت و... را بر آن جاری کرد.

کلید واژه‌ها: شبیه‌سازی انسان، عرفان، ادیان، نفقه، نسب.

^۱ - استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول:

m.ameri1986@gmail.com

^۲ - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

^۳ - دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

پیشگفتار

شبیه‌سازی که در زبان عربی به آن استنساخ گفته می‌شود دانش و فناوری زایش و تکثیر جاندار از غیر مسیر طبیعی است. در این علم برخلاف مسیر طبیعی که سلول تخم «نطفه» از ترکیب سلول‌های جنسی نر و ماده تشکیل می‌شود از تکثیر هسته یک سلول غیرجنسی در سلول جنسی ماده به دست می‌آید.

در حال حاضر شبیه‌سازی انسان (cloning Human) یکی از بحث برانگیزترین مباحثی است که نه تنها در دنیای علم، بلکه در بین تمام اقشار جامعه مطرح است. با مهندسی ژنتیک و شبیه‌سازی تسلط انسان بر طبیعت وارد مرحله جدیدی شده است اما با این موفقیت بزرگ بیم‌ها و نگرانی‌هایی وجود دارد. این دانش با تمام یافته‌های بشری متفاوت است و اگر کوچک‌ترین سهل‌انگاری در شناخت همه جانبه و کاربرد آن صورت گیرد عواقب بسیار خطرناکی می‌تواند برای بشریت به دنبال داشته باشد.

این پدیده علمی موجب شده تا مباحث جنجال برانگیزی در مورد آن مطرح گردد و موافقان و مخالفان با مبانی مختلف از جنبه‌های متفاوت به طرح دیدگاه‌های خود بپردازند. دستیابی اخیر دانشمندان کشورمان به تکنولوژی سلول‌های بنیادی و همانندسازی برخی پستانداران، در این زمینه ایران را از نظر تکنولوژیکی جزء پیشگامان این فناوری در جهان قرار داده است ولی از نظر حقوقی و تصویب قوانین لازم و جرم‌انگاری هنوز نتوانسته است همگام با این پیشرفت تکنولوژیکی گام بردارد.

دلایل مخالفان و نگرانی‌هایی که نسبت به سوءاستفاده از شبیه‌سازی انسان وجود دارد موجب شده تا دولت‌ها نسبت به آن بی‌تفاوت نباشند و هر یک سیاست خاصی را در این خصوص اتخاذ نمایند. انسان به عنوان موجودی ذی‌شعور در عالم هستی ناگزیر از رعایت حریم‌ها و حقوق‌های موجود می‌باشد تا در طول زندگی سعادت را تجربه کند. مخصوصاً وقتی با دید وسیع الهی این حقوق دامنه بیشتر و اهمیت افزون‌تری می‌یابد لذا ناگزیر است که از نظر شرع مقدس و حقوق اسلامی در رابطه و تعامل فرد شبیه‌سازی شده با جامعه و افراد دیگر اطلاع دقیقی داشته باشد.

در این نوشتار سعی شده به استناد برخی دلایل و نظرات عالمان یهود، مسیح و اسلام، به بررسی فقهی حقوقی مسأله شبیه‌سازی انسان پرداخته شود تا مشخص گردد که آیا این افراد نیز همانند فرزندان طبیعی، از جنبه‌های فقهی حقوقی بهره‌مند خواهند شد تا احکام خاص آنها دارا باشند یا

خیر؟

معنا و مفهوم شبیه‌سازی

شبیه‌سازی (کلون‌سازی) که به آن کلونینگ گفته می‌شود از کلمه یونانی کلون، به معنی قلمه زدن، جوانه زدن و تکثیر کردن گرفته شده است و کلونینگ هم عبارت است از بریدن و تکثیر کردن. شباهت شبیه‌سازی با قلمه زدن در این است که در هر دو روش، عمل تولید مثل، بدون انجام لقاح انجام می‌گیرد. در قلمه زدن، شاخه یا ریشه‌ای را از درخت جدا کرده و در جای دیگر می‌کارند و بعد از مدتی این شاخه یا ریشه، ریشه دوانیده و مواد غذایی خود را از خاک می‌گیرد و رشد می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۷: ۴۴). در علم زیست‌شناسی، کلونینگ عبارت است از تولد موجود زنده بدون آمیزش جنسی. هر یک از موجودات جدید را کلون می‌گویند. کلون‌ها از نظر ژنتیکی (وراثت) شبیه هم هستند و اگر تعداد آنها زیاد باشد، تشکیل کولونی می‌دهند. کولونی عبارت است از گروهی از ارگانیسم‌ها و یا گروهی از سلول‌ها که از یک ارگانیسم واحد بدون آمیزش جنسی تکثیر یافته باشند و به زبان ساده کلونینگ عبارت است از کلون‌سازی؛ یعنی مشابه‌سازی یا دو قلو و چند قلو‌سازی موجود زنده بدون آمیزش جنسی. (جعفری، ۱۳۸۱: ۷۲) شبیه‌سازی انسان به مفهوم تولید یک انسان بدون انجام عمل لقاح، به عنوان یکی از دستاوردهای نوین علم پزشکی توانسته است افق‌های تازه‌ای را در پیش‌چشمان بشر بگشاید که به معنای تولید مثل به روش غیرجنسی از افراد انتخاب شده است به گونه‌ای که نسل ایجاد شده از آن‌ها از نظر محتوای ژنتیکی کاملاً شبیه هم‌تای خود باشند.

پیشینه شبیه‌سازی

در سال ۱۹۷۰ دانشمند گیاه‌شناس آلمانی به نام هربرت ویر، تلاش‌هایی را در مورد گیاهان و بعضی از جانوران ساده، مثل کرم‌ها انجام داد. به دنبال آن جان‌گاردن، تلاشی را در مورد شبیه‌سازی قورباغه انجام داد و توانست از طریق انتقال هسته، یک نوزاد قورباغه را کلون نماید هرچند آن‌قدر زنده نماند تا کامل گردد. این تلاش‌های محققان علم ژنتیک همچنان ادامه داشت تا اینکه سرانجام گروهی از دانشمندان مؤسسه «رازلین» در شهر ادینبورگ اسکاتلند، اقدام به اصلاح نژاد حیوانات اهلی به روش شبیه‌سازی نمودند، در نهایت، تلاش آنها در پنج ژوئای ۱۹۹۷ به ثمر رسید و یان ویلموت، نخستین پستاندار شبیه‌سازی شده (گوسفند) را متولد کرد و نام آن را «دالی» گذاشت. (ناظمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹)

این دانشمند اسکاتلندی پس از ۲۷۶ بار آزمایش ناموفق، توانست با برداشتن یک سلول از پستان

یک میش سفید باردار و قرار دادن آن در داخل تخمک بدون هسته از یک گوسفند ماده دیگر، به کمک تحریک الکتریکی، آن را بارور سازد و به تقسیم سلولی برانگیزد. او سپس آن را داخل رحم همان گوسفند صاحب تخمک قرار داد و بعد از مدتی، یک بره سالم متولد شد که کاملاً شبیه گوسفند سفید باردار بود و تا هفت سال هم زنده ماند.

این فن آوری را «کلونینگ» یا شبیه‌سازی نامیدند. انتشار خبر تولد «دالی» از طریق شبیه‌سازی، حساسیت‌های ویژه‌ای را به وجود آورد زیرا پس از شبیه‌سازی گوسفند، فکر مهندسان ژنتیک، متوجه شبیه‌سازی انسان شد و در محافل مختلف، سخن از گسترش این فن آوری بود. سرانجام در روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۱۳۸۱/۱۰/۶) خبر هراس‌انگیزی مبنی بر تولد نخستین نوزاد انسان شبیه‌سازی شده از سوی شرکت آمریکایی «کلوناید» به سراسر جهان مخابره شد. (همان: ۳۲)

با جدی شدن بحث شبیه‌سازی انسان، پرسش‌های اجتماعی، اخلاقی و دینی فراوانی مطرح گردید از جمله اینکه:

- اگر انسانی خارج از سنت زوجیت به وجود آید تکلیف نهاد خانواده چه می‌شود؟
 - هویت و کرامت انسان، اخلاق و وضع روحی و روانی او چگونه خواهد بود؟
 - انسان‌هایی که از این فرآیند تولید می‌شوند چگونه انسان‌هایی خواهند بود و آیا در مسیر انسانیت و تکامل خود قدم برمی‌دارند یا به سمت سقوط و نابودی پیش خواهند رفت؟
 طرح چنین پرسش‌هایی باعث واکنش دولت‌ها و مجامع علمی، فرهنگی و دینی در مقابل این مسأله گردید. کنفرانس عمومی یونسکو در نشست بیست و نهم خود در سال ۱۹۹۷ بیانیه جهانی «ژنوم انسانی و حقوق بشر» را در ۲۵ ماده به تصویب رساند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۰۱)

ژاک شیراک، رییس جمهور وقت فرانسه، همتاسازی انسان را یک اقدام جنایتکارانه خواند و خواستار ممنوعیت آن در سرتاسر جهان شد. وی همچنین این عمل را مخالف حیثیت و شرافت انسانی دانست. (فوزی، ۱۴۲۰: ۲۴۳۹)

کلینتون، رییس جمهور وقت آمریکا نیز بعد از تولد «دالی» از کمیته مشورتی جنبه‌های اخلاقی- پژوهشی در علوم زیستی، درخواست راهنمایی کرد و این کمیته به او توصیه نمود تخصیص بودجه از طرف دولت فدرال برای پژوهش در مورد شبیه‌سازی انسان را ممنوع کند. (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

رییس مجلس اروپا، شبیه‌سازی انسان را غیرقابل قبول دانست و ممنوعیت آن را به دولت‌ها اعلام نمود. (فوزی، همان: ۲۴۴) دولت روسیه آن را منع نکرد، اما برای آن قیود و شرایطی قرار داد تا حقوق انسانی حفظ شود. دولت استرالیا نیز استفاده از آن را برای اهداف غیرطبیعی منع کرد. (سعدی،

(۴۲۳: ۳۶۷)

کشورهای اسلامی، از جمله پاکستان، عربستان، مصر، کویت و قطر نیز اقدامات مشابهی را برای ممنوعیت آن انجام دادند. (همان: ۲۴۵) از نظر علمای هندوئیسم انجام شبیه‌سازی بر روی انسان جایز نیست؛ زیرا روح از همان ابتدای نطفه در آدمی دمیده می‌شود و در نتیجه دارای ارزش است. یهودیان نیز مانند پروتستان‌ها، بهره‌برداری از این امر را جهت کمک به زوجین ناباورر منع نمی‌کنند با این شرط که افراد متعهد شوند کرامت انسانی را نقض نکنند و مراقب خطاهای احتمالی باشند (صادقی، ۱۳۸۸، ۷۵).

بنابراین شبیه‌سازی با ظهور و ورود خود به عرصه علم و تکنولوژی، با حوزه‌های مختلفی از جمله ادیان و عرفان ارتباط پیدا کرده و هر یک از ادیان به دنبال پاسخگویی به شبهات پیرامون این مسأله هستند. دامنه نظرگاه‌ها در ادیان مختلف در این باره بسیار گسترده است و تعارض دیدگاه‌ها نیز به چشم می‌خورد. اما آنچه بر اهمیت طرح این دیدگاه‌ها صحنه می‌گذارد موضوع تأثیر نگرش ادیان مختلف در بحث قانونگذاری درباره مسأله شبیه‌سازی است.

در جوامع مختلف هر چند یک دین به عنوان دین رسمی انتخاب شده است سایر ادیان و مذاهب نیز از حقوق اقلیت‌ها برخوردار هستند. بنابراین، لحاظ دیدگاه‌های تمامی ادیان ضروری است و راه را برای ایجاد نگرش واحد و سپس قانون‌گذاری منسجم در عرصه بین‌المللی درباره شبیه‌سازی باز می‌کند. پس از دین مبین اسلام، دین مسیحیت و یهودیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. از سوی دیگر، دین مسیحیت نیز در حوزه این مسأله دارای ادبیات گسترده‌ای است. صاحب‌نظران و دانشمندان ادیان و مذاهب، از جمله علمای مسلمان هم در مقابل این پدیده موضع‌گیری کردند و ایده‌های فراوانی به صحنه نقد و بررسی این پدیده پا نهادند.

شبیه‌سازی در عرفان غیراسلامی

الف. شبیه‌سازی در عرفان یهودیسم

منبع اولیه و معتبر عرفان یهودیت، تورات است که مبین خواست خداوند در عرفان یهودی می‌باشد که تلمود و میشنا را در بر می‌گیرد. (شاهاک، ۱۳۷۶، ۶۱)

در مورد شبیه‌سازی انسان، اندیشمندان این رویکرد مذهبی در اواخر ۱۹۷۰ به بحث و تحلیل آن همت گمارده‌اند که به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱. فرمان الهی و روح؛ از طلیعه نور تا تالو خورشید

موجوده‌های انسانی از سوی خداوند در استفاده از استعدادهای منطقی و تخیلی خود به سود کسب منفعت و سلامت بشری مختارند. عرفان یهودیسم می‌پذیرد که موجوده‌های انسانی به مثابه مخلوقات حاصل از مشیت و خواست الهی، دارای ارزش ذاتی‌اند و در این راستا تلمود، این موجوده‌های معقول و ذی‌شعور را به منزله شرکای خداوند در جریان خلقت تلقی می‌کند. (هوشنگی، ۱۳۸۶، ۵۷)

بنابراین نقش منحصر این افراد، دریافت فرمان الهی است که به صورت رمز و وحی بوده و مشتمل بر تأکید مؤکد بر اعمال علم پزشکی و مهارت‌ها و همچنین انجام شبیه‌سازی به منظور گسترش سلامت و تولید نسل می‌باشد. با وجود این، فرمان الهی تردید و ناهماهنگی را در زمینه شبیه‌سازی در این عرفان ایجاد می‌کند. از نظرگاه عرفان یهودیسم، شبیه‌سازی ددرس‌آمیز است زیرا در تصور قائلین این رویکرد عرفانی، فرمان الهی از رهگذر امری مافوق طبیعت و در قالب رمز بر انسان‌ها الهام و نازل می‌گردد و افزون بر این، برداشت عرفان یهودیت از «روح» مستلزم این است که افراد فراتر از سنخ ارثی‌شان باشند. در حالی که در واقع چنین امری صادق نمی‌باشد و در شکل‌گیری شخصیت یک فرد صرفاً وراثت و محیط بر او تأثیر می‌گذارد که جنبه مادی دارند و نه تنها در کنار دنیای معنوی و متافیزیک قرار نمی‌گیرند بلکه در تقابل با آن‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۴۶۳)

۲. مسئولیت به مثابه اصل اخلاقی

عرفان یهودیسم، اصل اخلاقی مسئولیت و تکلیف را غیر از اصل اخلاقی حق‌ها قرار داده است. این تکلیف مهم، «حمایت از حیات انسان» است که ریشه در تورات و تفسیر خاخامی دارد. عارفان یهود، این اصل اخلاقی را در مورد شبیه‌سازی انسان مطرح می‌کنند. زمانی که به منزله شیوه‌ای درمانی برای بیماری‌های ژنتیکی یا وضعیتی نظیر نازایی تلقی گردد. با وجود این، در اکثر موارد به ویژه غالب پیشنهادهای مربوط به اعمال شبیه‌سازی انسان، این شرایط و وضعیت‌های درمانی که نفع اشخاص را به همراه داشته باشد، به چشم نمی‌خورد. (فرزین، ۱۳۸۵، ۱۷)

از سوی دیگر این اصل بیانگر هنجارهای والدینی اصل و نسبی در یهودیت و بویژه مسئولیت‌های کد ژنتیکی است. هرچه این‌گونه فرآیندهای تولید مثلی نظیر شبیه‌سازی متفاوت از خلق واقعی و طبیعی حیات کودک باشد نگاه عرفای یهود همراه با اعتراض و مخالفت خواهد بود. (همان، ۲۰) بدین معنا که هر چه هنجارهای اجتماعی مبتنی بر تفکر یهودیسم در مورد تولید مثل به

¹TALMUD.

انحراف کشیده شود، به همان اندازه با اعتراض عارفان یهودی مواجه می‌گردد که در واقع امر، چنین نگرشی مبتنی بر اصل اخلاقی مزبور یعنی حمایت از حیات انسانی است.

۳. فرد همانند واجد یا فاقد جایگاه انسانی - اجتماعی

منبعی که پاره‌ای از عالمان یهودی در جهت آگاه کردن جامعه برای اتخاذ واکنشی مناسب در مقابل پدیده نام‌برده بدان استناد می‌کنند حکایات «گولم» در عرفان یهودی است. این حکایات که در «تلمود» آمده است، خلقت مصنوعی، تولید یک موجود همانند انسان توصیف می‌کند که بعدها بدون هیچ حادثه مؤثری جان به جان آفرین تسلیم می‌کند.

۴. تحقیقات شبهه‌سازی آری؛ ماندسازی انسان‌ها هرگز

به‌رغم تحقیقات علمی با ارزش همراه با نظارت و نیز پاسخ‌گویی آنها به وسیله هیأت اجتماع در قبال برآیندهای این‌گونه تحقیقات، همچنان عارفان یهود از این نگرانی رنج می‌برند که سیاست کلی منع تحقیقات مربوط به شبهه‌سازی، وحی و فرمان الهی را نقض خواهد کرد. این امر در راستای دنبال کردن تحقیقات مزبور که دامنه شبهه‌سازی را به واسطه منافع بالقوه‌اش بسط می‌دهد، مهم تلقی می‌گردد، از آنجا که قانون یهود، جایگاهی اخلاقی به جنین انسان اعطا نمی‌کند، تحقیقات شبهه‌سازی بر روی جنین انسانی در مراحل اولیه می‌تواند توجیه شود اما احتمال بیش از حد مرگ جنین‌ها به سبب نقض این تحقیقات، ضرب‌المثل معروف «انجام عمل بدون ضرر و آسیب را» نقض می‌کند.

اگرچه در عرفان یهودیسم، انجام تحقیقات شبهه‌سازی مجاز قلمداد گردیده است اما در مورد شبهه‌سازی انسان، با استناد به نگرانی‌های اساسی درباره کالا شدن بالقوه حیات انسان از این رهگذر و به ویژه تبدیل فرد به یک محصول و کالای ملموس و مادی با انگیزه‌های مالی و سرمایه‌داری، این‌گونه از فناوری‌های بازآفرینی را تا حدودی با ممنوعیت مواجه نموده است. (آبایی و حکاکیان، ۱۳۸۲، ۲۱)

ب. شبهه‌سازی در عرفان مسیحیت

مسیحیت مانند تمام باورهای دینی دیگر، حاصل تداخل و ترکیب عناصر گوناگون است که در دل دیانت یهودی و در محیط یهودیت به وسیله عیسی مسیح که خود وی نیز یهودی بود متولد گردید.

عرفان مسیحیت همگام با آموزش‌های آمرانه‌اش، در میان بانفوذترین حامیان رعایت اصول اخلاقی در زمینه‌های مختلف، بویژه اصول اخلاقی زیست پزشکی بوده است و در دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد توجه خود را بر مسائل شبهه‌سازی انسان معطوف نموده است. در این بند، به این

تفکر و رویکردهای اساسی آن در زمینه شبیه‌سازی انسان به اختصار پرداخته می‌شود:

۱. کرامت انسانی؛ ستاره تابان آسمان بشریت

در عرفان مسیحیت، شبیه‌سازی به واسطه نقض کرامت جنین انسانی و تجاوز به محاسن ذاتی و لاینفک رابطه جنسی انسان قبیح شمرده می‌شود. در این عرفان، تلاش‌ها و اقدامات برای دستیابی به موجودهای انسانی بدون هیچ رابطه‌ای جنسی از رهگذر شبیه‌سازی و بکرزایی، مخالف با قانون اخلاقی تلقی می‌گردد زیرا این طریق در تضاد با کرامت تولید مثل انسان و نیز عقد و رابطه زناشویی است. بدین ترتیب، در حالی که پاره‌ای آیین‌ها سوءاستفاده‌های احتمالی این نوع فناوری بازآفرینی را مورد عنایت قرار داده‌اند. این عرفان بر این باور است اعمال فنون همانندسازی در مورد آدمی فی-نفسه مخالف با کرامت انسان است. (مجیدی، ۱۳۸۲، ۲۰۱)

۲. شبیه‌سازی؛ ناقض رابطه نسبی

عرفان مسیحی، شبیه‌سازی انسان مخالف مفهوم ازدواج و خانواده است. غایت ازدواج، برآیندهای تولید مثلی و وحدت روابط جنسی را به همراه دارد که مظهر ذاتی و درونی رابطه نسبی است حال آن‌که فناوری بازآفرینی نظیر شبیه‌سازی مظهر عرضی و خارجی است. چنین اسلوبی خانواده را بی‌هویت می‌کند؛ عشق و محبت زناشویی را به فراموشی می‌سپارد و میثاق مقدس ازدواج را نقض می‌کند. (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۵۴)

از سوی دیگر، قانون طبیعی مبین وظایفی برای هر دو مرحله تولید مثل و آموزش و پرورش کودک است و این ترتیب والدینی مستلزم توانایی رشدی کودک به لحاظ اخلاقی و روانی و مفروض دانستن تعهدات درونی است در حالی که شبیه‌سازی عاری از این‌گونه قابلیت است. (حدادی، ۱۳۸۴، ۹۸)

۳. خواست خداوند؛ قانونی ماندگار و حکمی لایزال

در عرفان مسیحیت، مفهوم «بشر» ریشه در «مشیت الهی» دارد. مشیت الهی نیز قضاوت‌های مربوط به فناوری‌هایی از جمله شبیه‌سازی بازآفرینی و امثال آن را متأثر می‌سازد. از آنجا که خود «بشر» و تولید مثل وی به طریق طبیعی حاصل خواست و تمایل خداوند است، باز تولید آدمی به طریق شبیه‌سازی که در راستای بروز و ظهور خصلت‌های مطلوب آدمی محقق می‌گردد، می‌تواند تلاشی در راستای خواست و تمایل انسان باشد. در این میان، از یک سو، تولید انسان به طرق طبیعی ناشی از مشیت الهی است و از سوی دیگر، تولید همین موجود به طرق غیرطبیعی نظیر شبیه‌سازی، مولود خواست آدمی است. پس تقابل و تراحم خواست‌ها حادث می‌شود و گزینش یکی از آن دو

ضروری است. از آنجا که میان اهم و مهم، اهم مرجح است، مشیت الهی مقدم بوده و خواست انسان یارای مقابله‌ای پایاپای را ندارد. (میلانی، ۱۳۸۵، ۱۶۹) در نتیجه از این نظرگاه، نه تحقیقات مربوط به شبیه‌سازی موجه می‌نماید و نه شبیه‌سازی انسان.

۴. عمل جنسی؛ رابطه‌ای مقدس در فرآیند خلقت

نگرانی عمده در عرفان مسیحیت، جوانب مقدس ازدواج، تولید مثل و آموزش و پرورش کودک است. تقدس ازدواج و خانواده، مفهوم صحیح و مناسبی برای تولید مثل و تربیت یک کودک است. در آموزش‌های عرفانی مسیحیت، در راستای معرفی نقش زوجین در مراحل گامتی و جنینی به منظور تولید مثل انسان، وجود و دخالت شخص ثالث قابل توجه نمی‌باشد. بنابراین در عرفان مسیحیت، رابطه جنسی، امری است مقدس که ماحصل این ارتباط میان زوج و زوجه، فرزندی است که متعاقب گذشت دوران معمول بارداری متولد می‌گردد و بازیگران این رابطه و خلق این کودک نیز افرادی جز آن دو نیستند، در حالی که شبیه‌سازی انسان، ابزاری در جهت فردزایی موجود انسانی قلمداد می‌گردد؛ تولد کودک از راه رابطه مقدس مذکور را به «ساخت کودک» تبدیل می‌کند؛ به عبارتی دیگر، ساخت کودک را به منزله الهام الهی در دستاوردهای فناوری جای می‌دهد. (انصاری و مهاجری، ۱۳۸۱، ۱۷۴) عارفان مسیحی بر این عقیده‌اند که اگر زمانی این افراد واجد ارزش در جامعه شناخته شوند صرفاً به واسطه اهدا بیرونی و بویژه به منزله موضوع و سوژه‌هایی برای استفاده و بهره‌گیری دیگران خواهد بود نه ماهیت و ذات انسانی آنها. (آشتیانی، ۱۳۶۸، ۲۴)

د. شبیه‌سازی در عرفان بودا

۱. تولید مثل و بازآفرینی: در عرفان بودا، اندیشمندان بر این امر اجماع دارند که کودکان فناوری شبیه‌سازی با سایر کودکان در قید حیات تفاوتی ندارند. افراد می‌توانند به شیوه‌های متنوع و از راه‌های مختلف حیاتشان را آغاز کنند که صرفاً محدود به تولید انسان از رهگذر رابطه جنسی و نسل‌های انسانی حاصل از رابطه جنسی نمی‌شود. از این‌رو شبیه‌سازی به منزله شیوه‌ای جایگزین تولید حیات انسانی یا تولید مثل آدمی تلقی می‌گردد که در اصل تداوم دهنده همه شیوه‌هاست. (آشوری و نجفی ابراندآبادی، ۱۳۷۵، ۲۱۶)

پاره‌ای از عارفان بودا به حمایت مشروط از اعمال این‌گونه فناوری بر می‌خیزند و اظهار می‌دارند: «تا آنجا که این شیوه به نفع زوج‌هایی باشد که آرزوی داشتن فرزند را دارند و نیز درد و محنتی را به همراه نداشته باشد قابل اعمال است» و نباید منع گردد. (ساعد، ۱۳۸۱، ۱۰۴)

۲. جایگاه انسان و روشنگری: جایگاه موجود بشری در عرفان بودا به چالش کشیده می‌شود

متفکران و عارفان بودایی اظهار می‌دارند که فرصت موجود شدن تا اندازه‌ای دست نیافتنی و نادر است زیرا سرنوشت آدمی محتوم است و این امر حتی شامل «به وجود آمدن» نیز می‌گردد. لذا از آنجا که سرنوشت و تقدیر، آدمی را به هرسو می‌کشاند پس امکان به دنیا آوردن انسان‌ها از طریق غیرجنسی نظیر شبیه‌سازی، امری نادر و تا حدودی محال است. در همین راستا، پاره‌ای از متفکران در جهت حمایت از اندیشه خود تا بدان جا پیش رفته‌اند که حتی با فرض تحقق شبیه‌سازی و تولید موجودهای کامل و سالم بویژه انسان، آن را صرفاً گونه‌ای از شیوه‌های متنوع موجود می‌دانند که به موجب آنها «حیات» می‌تواند پدیدارگردد. (کریمی، ۱۳۷۶، ۳۶۹)

۳. تحقیقات همانندسازی آری، و اعمال آن، خیر: در عرفان بودا، آنچه بیش از همه جلوه‌گری می‌نماید و عرفا به آن تأکید ورزیده، منع ایراد خشونت و صدمه بر موجودهای ذی‌شعور است. با این بیان، این امر یعنی ضرورت اعمال تحقیقات علمی در مورد شبیه‌سازی انسان و سرانجام تحقق این‌گونه از فناوری‌های بازآفرینی در عالم خارج، به نظر می‌رسد در مورد مرحله پیش‌روی‌های انسانی ممکن و قابل توجیه باشد اما از آنجا که اولویت و تقدم بودائیسیم بر تولد انسان به منزله یک موجود کامل انسانی تمرکز دارد، می‌تواند به منزله شرط ضروری و روشنگری این تحقیقات را محدود نماید.

لذا بر این اساس که مبنای فکری عرفای بودا بر عدم صدمه موجودهای ذی‌شعور است و تا مرحله ولوج روح، نطفه در حکم انسان تلقی نمی‌گردد، انجام تحقیقات شبیه‌سازی بر روی انسان‌ها فاقد اشکال است اما بعد از این مرحله به خاطر دمیدن روح در حمل و نامیده شدن «انسان» انجام این‌گونه تحقیقات فاقد پشتیبان عقلی و منطقی خواهد بود. بنابراین در وضعیتی که فرایند تحقیقاتی از شرایط مناسبی برخوردار نباشد و دارای چنین نقایصی باشد که احتمال صدمات وارد بر موجودهای انسانی و حتی حیوانی را به حداکثر برساند، انجام این تحقیقات منع می‌گردد. (هیوم، ۱۳۶۹، ۳۰۸)

ه. شبیه‌سازی در عرفان هندو

۱. روح، طلیعه لایزال آفرینش: در عرفان هندو، روح بخشی از نیروی آفرینش و انرژی حیات موجود در همه خلقت است. این آیین وحدت روح با الوهیت به جای جدایی آنها را تصدیق می‌کند تا بدان‌جا که یک شخص نمی‌تواند نقش «روح» را بازی کند زیرا در مفهوم نهایی، «روح» خداست. از این نظرگاه و با عنایت به انسان‌شناسی مذهبی، در گستره شبیه‌سازی انسان، نگرانی‌هایی وجود دارد از جمله اگر روح واقعی و وجدان صادق به لحاظ بنیادی متفاوت از جسم باشد، پس امری است ماورای دستیابی علم مادی و از این‌رو نمی‌تواند به وسیله دستکاری‌های ژنتیکی و شبیه-

سازی خدشه پذیر باشد چرا که امر مادی یارای مقابله و برابری با امر غیرمادی را ندارد. (شریف، ۱۳۵۶، ۲۲۵)

۲. نه تحقیقات شبیه سازی و نه همانندسازی انسان: در عرفان هندو این عقیده استوار است که در وجود هر انسان یک حقیقت نهفته است، هدف از حیات رسیدن به این حقیقت مطلق یا برهمن است که بالاترین حقایق است. تمامی اعمال و کردار بشر در زمینه‌های مختلف در راستای رسیدن به رستگاری و دستیابی به این حقیقت مطلق است. هندوها معتقدند که حیات از لحظه تشکیل نطفه آغاز می‌شود. شعار و مبنای قاعده هندو، وارد نکردن صدمه به دیگران و امان دادن به دارماست. در این زمینه با لحاظ این شعار، بر این اساس که تمرکز بر عدم صدمات است و از سوی دیگر در این تفکر، در سراسر بارداری، حمل، فرد انسانی صاحب روح تلقی می‌گردد، به همین دلیل می‌توان این-گونه نتیجه گرفت تا زمانی که اعمال تحقیقات شبیه‌سازی انسان‌ها و حتی حیوانات صدماتی را به بار نیاورد، موجه بوده و پذیرفتنی است، در این راستا است که دارما، یعنی فضیلت و اخلاق، حداکثر قدرت و اختیار را به آهمیسا یا عدم صدمه به موجودهای صاحب شعور می‌دهد. استدلال تجویز شبیه‌سازی انسان در عرفان هندو نشأت گرفته از حماسه هندویی در اودیسه یا مهاباراتا است که با تأکید بر تفوق توالی نسل‌ها به‌ویژه اثبات شجره خانوادگی، تداوم این شجره را در شیوه‌های متفاوت چندگانه‌ای، جهت داشتن پسر به منزله فرزند قابل تصور می‌دانند. شورای عالی سنگاپور در بیانیه رسمی اعلام نموده است که هیچ ممانعتی در استفاده از این سلول‌ها در حمایت از حیات انسانی و درمان بیماری‌ها ندارد. اما در همین بیانیه این شورا ادامه می‌دهد که حیات از لحظه تشکیل نطفه آغاز می‌گردد و از این‌رو از بین بردن جنین گناه محسوب می‌شود. (ساعد، ۱۳۸۱، ۱۱۲)

شبیه‌سازی انسان از دیدگاه عالمان یهودی

الف - حرمت: گروهی از آنان با ارائه دلایل زیر شبیه‌سازی انسان را ممنوع و حرام دانسته‌اند:

۱- اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن: انسان، شریک خدا و موظف به مراقبت از مخلوقات اوست. همانندسازی، نقش‌ها و روابط بین اعضای خانواده را که تعیین‌کننده حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر است، تخریب می‌کند و خانواده را دچار آسیب می‌کند. طبق تعالیم دین یهود، انسان از نظر دینی، تابع مادر و از نظر شجره خانوادگی (نسب)، تابع پدر است. بنابراین طفل هم به مادر و هم به پدر نیاز دارد. در حالی‌که همانندسازی نقش پدر را از زادآوری حذف می‌کند. (آنترمن، ۱۳۸۵، ۱۷)

^۱ Mahabharata.

۲- لزوم نیاز به تنوع زیستی و بیولوژیکی میان انواع بشر: بسیاری از متون تلمودی، خداوند را به جهت آفرینش انسان‌های متفاوت در ظاهر و استعداد‌های درونی ستایش نموده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲، ۱۸۵). امروزه بسیاری از دانشمندان، اصطلاح تنوع زیستی را به معنای حفاظت از انواع مختلف گیاهان و حیوانات برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های خاص و از بین رفتن آن‌ها، به کار می‌برند. در فرآیند شبیه‌سازی، می‌تواند کپی‌های ژنتیکی همسان از یک شخص ایجاد می‌شود و این روند در تعارض با منابع خاخامی و لزوم تنوع بیولوژیکی در انواع بشر است.

۳- حرمت بازی نمودن نقش خدا: البته بیان ماجرای آفرینش حوا می‌تواند خلاف دلیل فوق را ثابت نماید زیرا از نظر تعالیم دین یهود، خداوند خود انسانی را شبیه‌سازی نموده است. هر چند دخالت در حوزه تسلط خداوند برای ما جایز نیست. در عهد قدیم آمده است که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند. اما دستیابی و تلاش برای رسیدن به جایگاه خدا و بازی نمودن نقش خدا موجب بدبختی است. (سفر پیدایش ۴: ۱۱ و ۳: ۵) ما درجه‌ای از تقدس را داریم ولی مقدس نیستیم (مزامیز داوود، ۸). بنابراین، از این دیدگاه، دخالت در آفرینش خداوند جایز نیست.

۴- ابهام در مسأله حلول روح در جنین شبیه‌سازی شده: دلیلی که از سوی کمیته خاخام‌های اصلاح‌طلب یهودی (committee of Reform Rabbis The official) ارائه می‌شود آن است که این گروه در مورد موضوع روح انسان‌های شبیه‌سازی شده نگرانند. (هوشنگی، ۱۳۸۶، ۵۷)

۵- خطر غرور و خودپرستی انسان: هر چند دستورات اکیدی برای حمایت و حفاظت از زندگی انسان‌ها در دین یهود آورده شده است اما این دستور، استثنائی هم دارد و آن جلوگیری از بت‌پرستی یا خودپرستی است که به شبیه‌سازی مرتبط است. شبیه‌سازی انسان، خطر خودپرستی را در انسان افزایش می‌دهد. در خلال روابط جنسی و فرزندآوری، انسان‌ها با دگرگرایی غیرقابل اجتنابی روبرو هستند. این دگرگرایی موجب فروتنی و صحت و اعتبار رابطه‌ی «من و تویی» می‌شود. این ویژگی‌ها مانع خودپرستی و غرور انسان می‌شود. (همان، ۶۵)

۶- تبدیل به کالا و محصول شدن انسان: عده‌ای از خاخام‌های یهودی شبیه‌سازی انسان را از آن جهت ممنوع اعلام می‌دارند که با تصویر انسان حاصل از این فرآیند مشکل دارند. این عده معتقدند که عدم شناسایی جامعه از فرد شبیه‌سازی شده به‌عنوان انسان مشکلات فراوانی را پیش روی جامعه خواهد گذاشت از جمله تبدیل شدن انسان به محصول یا آنان در آزمایشات پزشکی، به بردگی کشاندن آنان، استفاده از اعضای بدن آنان یا دیگر اعمال ممنوع و حرام. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۴۶۳)

۷- مصالح حکومتی: در نهایت، دادگاه حقوقی یهود می‌تواند بر اساس موقعیت‌ها و شرایط

موقتی، کار یا فعلی را ممنوع نماید. (میشنا: سنهدرین ۴: ۴)

ب - جواز: اما عده‌ای دیگر از خاخام‌های یهودی، شبه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و دلائل زیر را برای نظر خویش اقامه می‌کنند:

۱. عدم وجود دلیل برای حرمت شبه‌سازی در منابع دینی یهود: دلیل اول برای این نظر، استناد به گفته‌ی یکی از خاخام‌های یهودی به نام اسرائیل لیفشیتز (Lifshitz Rabbi Israel) در قرن نوزدهم است: «در مورد هر مسأله‌ای که دلیلی برای حرمت آن نباشد باید بدون هیچ توجیهی، حکم به جواز آن داد. بر همین اساس، شبه‌سازی انسان مجاز است تا هنگامی که ما دلیل خاصی برای حرمت آن بیابیم زیرا تورات به موارد مجاز اشاره نموده، بلکه به نواهی اشاره نموده و بر ترک آن تأکید نموده است.

۲. تقلید از خداوند در آفرینش حوا: براساس سفر آفرینش ۲۱-۲۲: ۲، حوا از دنده آدم بدون وجود هیچ‌گونه رابطه جنسی آفریده شده است. شاید ما هم بتوانیم از خداوند در شبه‌سازی انسان تقلید کنیم.

۳. جواز انجام امور براساس روند علمی و طبیعی آن‌ها: خاخام یهودی منجم همثیری (Rabbi Menahem Hameiri) در قرن ۱۴ قانونی را در تفسیر و توضیح خود از تلمود آورد که چنین است: «هر آن چه که با یک روش طبیعی انجام شود دیگر آن را نباید جادوگری (که عملی ممنوع است) دانست حتی اگر آن‌ها بدانند که چگونه موجود زیبایی را بدون تحقق رابطه جنسی و بر اساس کتب علمی به وجود آورند. بنابراین، شبه‌سازی انسان، در خلال یک روند طبیعی، جایز و مجاز است. (هوشنگی، ۱۳۸۶، ۵۷)

۴. اصل وجوب نجات جان انسان‌ها و درمان بیماری‌ها: دین یهود به اصول اخلاقی ناشی از مسئولیت پایبند است نه به اصول اخلاقی ناشی از حقوق انسانی، بنابراین انجام چنین تکلیفی در صورتی ممکن است که از شبه‌سازی انسان به‌عنوان یک روش درمانی برای درمان بیماری‌های ژنتیکی مانند ناباروری که افراد از آن رنج می‌برند، حمایت شود زیرا تمامی قوانین دین یهود می‌تواند برای نجات جان انسان‌ها زیر پا گذاشته شود.

بنابراین، حتی اگر شبه‌سازی انسان ممنوع باشد، می‌توان آن را برای نجات جان یک بیمار مجاز دانست. خاخام‌های شاخه‌های مختلف دین یهود، تمام درمان‌های متصور برای ناباروری را پذیرفته‌اند. بعضی از انجمن‌های یهودی ارتدوکس هم کلینیک‌های درمان ناباروری مخصوص به خود به وجود آورده‌اند تا شرایط لازم برای اجرای عمل واجب زاد و ولد را تأمین نمایند و فرزندان یهودی را به دنیا آورند که به‌عنوان هدفی مثبت، انواع مختلف و گسترده روش‌ها و ابزارهای تولید

مثل را توجیه کند. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۴۷۰)

شبیه سازی انسان در دین مسیحیت

شبیه سازی انسان در این آیین ممنوع است. علمای مسیح دلایل ذیل را برای این موضوع اقامه نموده‌اند:

۱- تعارض با تصویر خدایی انسان

در تعالیم آیین مسیحیت، مفهوم انسان ریشه در تصویر خداوند دارد که با هدف نهایی درک خدایی بودن در اتحاد و همراهی با دیگران همراه است. تصویر خداوند، بر قضاوت و تصمیم‌گیری درباره تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل و شبیه‌سازی اثرگذار است. تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل که خارج از چارچوب خانواده صورت می‌گیرند، تلاشی برای ایجاد بشر با تصویر انسانی و ویژگی‌های مورد نظر (و نه با تصویر الهی) به شمار می‌روند.

بنابراین نتیجه اعتقاد به موضوع «خلق انسان با تصویر خدا» این است که با انسان دارای این ویژگی، باید با کرامت و احترام رفتار شود. این اصول نه تنها در رفتار با انسان‌ها باید لحاظ شوند بلکه روشی هستند که در پیدایش انسان‌ها نیز مورد توجه واقع می‌شوند. این در حالی است که شبیه‌سازی، انسان را برای انسان ایجاد می‌کند، نه اهداف الهی. بنابراین، انجام فرایند شبیه‌سازی نوعی بی‌احترامی به انسان مذکور به شمار می‌رود. (آشتیانی، ۱۳۶۸، ۱۴)

۲- نقض روابط مقدس خانوادگی

یکی از مسائل محوری در تعالیم مسیحیت، جنبه مذهبی و مقدس ازدواج، تولیدمثل و پرورش و بزرگ کردن فرزندان است. ازدواج و خانواده، چهارچوب اصلی برای تولیدمثل و تربیت فرزندان محسوب می‌شود. در این آیین، استفاده از گامت و تخمک یا اسپرم بیگانه یا رحم جایگزین ممنوع است. (همان، ۱۷)

فرآیند شبیه‌سازی به ویژه، به دنبال شخصیت زدایی از انسان است. پیگیری تولید کودکان به این روش، راز مقدسی را که در تولد کودکان است به تکنولوژی‌های درمان نازایی بدل کرده است. این روش، خودکفایی در تولیدمثل را سبب می‌شود که خواست خداوند نیست؛ بنابراین، شبیه‌سازی یک درمان یا یک تولیدمثل حقیقی و مورد نظر خداوند نمی‌باشد. (مک گراث، ۱۳۸۴، ۱۲۴)

۳- شیء شدن انسان

علمای مسیحی معتقدند که انسان شبهه‌سازی شده تنها برای اهداف عارضی و خارجی با ارزش است و به عنوان شیء برای استفاده و انتفاع دیگران شناخته می‌شود. (هاکس، ۱۳۷۷، ۱۱۲)

۴- سایر دلایل

از جمله این دلایل می‌توان به تولید انسان‌های شبهه‌سازی شده با هدف استفاده از اعضای بدن آنان برای دیگران، تجاری شدن (خرید و فروش) DNA انسان و تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها یا انسان‌هایی که دارای توانایی فوق‌العاده‌ای هستند (آشتیانی، ۱۳۶۸، ۲۹) اشاره نمود.

جنبه‌های حقوقی شبهه‌سازی انسان

علم حقوق، مجموعه مقرراتی است که بر اشخاص از جهت اینکه در اجتماع زندگی می‌کنند حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱). در گذشته قواعد مدونی وجود نداشت بلکه در بین سکنه ایران، اعتقاداتی که مورد قبول جامعه بود؛ رعایت می‌شد اما با تصویب قوانین مدون که اولین آن قانون حمورابی است و سپس با به روز شدن روابط مردم، نیاز به تدوین قوانین جدید در جامعه، احساس شد. با توجه به این مسأله که در ایران قانونی در مورد شبهه‌سازی تصویب نشده است بنا به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی باید با استناد به فتاوی معتبر فقهی، موضوع را حل و فصل نماید.

در این گفتار به بیان احکام خاص شبهه‌سازی انسان خواهیم پرداخت:

الف- قرارداد شبهه‌سازی

قرارداد، در لغت به معنی عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۹۰). برخی آن را اتفاق نظر دو یا چند شخص در امری می‌دانند. با این وجود می‌توان قرارداد شبهه‌سازی را اراده دو یا چند نفر مبنی بر تولیدمثل از این طریق، دانست. به این ترتیب طرفین قرارداد شبهه‌سازی را می‌توان پزشک، دهنده سلول جسمی (شخص متقاضی) و اهداکننده رحم یا سلول جنسی، در صورت عدم قدرت باروری شخص متقاضی دانست. در صورت تولد طفل، شخص متقاضی موظف است تمامی آثار نسب از جمله حضانت و ولایت طفل را به عهده گیرد؛ به این دلیل که عمل شبهه‌سازی به خواست و اراده او انجام می‌پذیرد. بنابراین از آثار قرارداد مذکور این است که طرفین قرارداد تا زمانی که فسخ صورت نگیرد ملزم به رعایت مفاد ذکر شده در قرارداد می‌باشند. گمان می‌رود قرارداد مذکور به عقد جعاله نزدیک‌تر است؛ زیرا طرفین قادر خواهند بود به خواسته مشخص شده خود در قرارداد برسند. به عنوان نمونه پزشک موظف است در برابر حق الزحمه معین، هسته تخمک اخذ شده‌ای را که ممکن است از شخص دیگری دریافت شده باشد خارج کرده و هسته سلول جسمی را در آن قرار داده و در نتیجه تخمک بارور شده را در رحم جانشین یا شخص متقاضی قرار دهد. همچنین

باید تذکرات لازم برای نگهداری از جنین را به صاحب رحم داده و در وقت مقرر طفل متولد شده را تحویل فرد متقاضی دهد. در مقابل آن فرد متقاضی علاوه بر پرداخت دستمزد پزشک مکلف است که حضانت طفل را نیز عهده‌دار شود. هم چنین با توجه به ماده ۲۲۰ ق.م. ضروری است پزشک به کلیه تعهداتی که عرف و قانون بر عهده او قرار داده است واقف بوده و آن‌ها را به درستی انجام دهد تا از مسئولیت مبری گردد زیرا در صورتی که وی احتیاطات لازم را انجام نداده و وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین این دو عامل اثبات گردد تقصیر متوجه شخص پزشک بوده در نتیجه موظف به جبران خسارت خواهد بود.

ب- نسب

در اسلام، خانواده از جایگاه والایی برخوردار است به گونه‌ای که نکاح، دارای اهمیت بوده و فرزند متولد شده دارای نسب مشروع می‌باشد. با این حال تعریف روشنی از نسب در فصل هشتم قانون مدنی ارائه نشده است، هم‌چنین اتفاق نظری میان فقها و حقوق‌دانان وجود ندارد. نسب، در زبان فارسی به معنی نژاد است (معین، ۱۳۷۵: زیرواژه).

در حقوق این گونه آمده است: «قرابت و خویشاوندی است و امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو که یکی پدر و دیگری مادر می‌باشد موجود می‌گردد.» (امامی، ۱۳۵۴: ۱۵۱)

در تعریف دیگری که با روح قانون سازگارتر می‌باشد، بیان شده نسب عرفاً و لغتاً رابطه‌ای است که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴) با توجه به تعاریف ارائه شده باید گفت یکی از مسائلی که در جامعه با آن روبه رو هستیم، تشخیص نسب فرد شبیه‌سازی شده است که بین فقها اتفاق نظری درباره آن وجود ندارد به نحوی که برخی نسب این افراد را مشروع دانسته و برخی آن را نامشروع گفته و عده‌ای نیز نسب این شخص را به‌سان فرزندان ناشی از نزدیکی به شبهه، دانسته‌اند.

با این وجود، بیشتر فقها که نسب طفل را مشروع اعلام کرده‌اند. آن را منوط به داشتن شرایطی دانسته‌اند از جمله: ۱- نکاح بین زوجین، ۲- وقوع نزدیکی بین زوجین که منظور آمیزش طبیعی نبوده بلکه آنچه مهم است ترکیب نطفه زن و مرد است ۳- انعقاد نطفه در زمان زوجیت که در مواد ۸۷۵، ۱۱۵۸ ق.م. بیان شده است.

بنابراین در وجود نسب مشروع و عدم نسب بین طفل و والدین اختلاف نظر وجود دارد که به آنها اشاره می‌گردد:

۱. عدم نسب: برخی از فقها مانند آیت الله مکارم شیرازی به جهت فقدان لقاح، قائل به عدم

نسب هستند. بنابراین طفل نه پدری دارد (چون از نطفه او نیست) و نه مادر دارد (چون ترکیب با نطفه مادر نیست) نه خواهری دارد و نه برادری و نه منتسب به فامیل است؛ و در رحمی پرورش یافته است که مادر جانشین است (علیان نژاد، ۱۳۸۶: ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۶).

۲. نسب مشروع: برخی از فقها معتقد به نسب مشروع بین طفل و والدین متقاضی خود هستند (موسوی خمینی، بی تا: ۶۲۲، موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). آیت الله موسوی بجنوردی در مورد نسب این اطفال می‌فرماید: امکان دارد بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم» این‌گونه بیان شود که شبیه‌سازی خلاف آفرینش و اراده الهی است زیرا در آیه‌های قرآن تنها به ترکیب اسپرم و تخمک اشاره شده است؛ اما باید گفت ممکن است مرد و زن به نحو دیگری در آفرینش انسان دخالت داشته باشند. در شبیه‌سازی درست است که جنس مخالف در تولید جنین دخالت ندارد و بنا بر فرض، سلول جسمی و جنسی را از زن گرفته و سپس در رحم او کشت می‌شود، اما این کار فی‌نفسه اشکال ندارد؛ زیرا زوجین بر این مورد با یکدیگر توافق داشته‌اند و آیه مزبور نیز فقط به روش معمول خلقت از زن و مرد اشاره کرده است. به عبارتی می‌توان گفت این جنین به هر نحو که ایجاد شود، باز هم مخلوق خداوند است، همان‌گونه که حضرت مسیح پدر نداشتند در این مورد نیز شوهر زن، پدر تلقی خواهد شد (موسوی بجنوردی، روزنامه همشهری، ۱۳۸۱).

از دیگر افرادی که معتقد به این نسب هستند می‌توان به مرتضی مطهری، ابوالقاسم گرجی اشاره کرد (سالاری، ۱۳۸۱: ۹۶-۱۰۴).

۳. ولد شبهه: عده‌ای دیگر برای این افراد قائل به نسب شده ولی آن‌ها را در حکم ولد به شبهه دانسته‌اند. شبهه، به معنای تصور بر خلاف حقیقت و به عبارتی ناشی از اشتباه است. نزدیکی به شبهه در صورتی است که مرد با زنی به تصور این‌که بین آن‌ها رابطه زوجیت بوده است، نزدیکی کند؛ در حالی که چنین رابطه‌ای بین آن‌ها وجود نداشته است که این عمل را وطی به شبهه نیز گویند و اگر فرزندی از آن به دنیا آید «ولد شبهه» گفته می‌شود و نسب او نسب ناشی از شبهه است. (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۸۹)

در مواد ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶ ق.م. نسب این طفل را مشروع دانسته و ولد را به کسی ملحق می‌داند که هنگام نزدیکی در اشتباه بوده است، مشروط بر این که مرتکب، دارای حسن نیت باشد تا سبب مشروع دانستن طفل گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸)

برخی فقها از جمله آیت الله بهجت و آیت الله معرفت شبیه‌سازی را مشروع دانسته‌اند، اما فرزند ناشی از آن را مانند ولد به شبهه دانسته‌اند. آیت الله بهجت در پاسخ به این سؤال آیا دختر باکره‌ای

که از طریق عمل شبیه‌سازی صاحب فرزند شود و فرزندى از سلول خود به دنیا آورد مشروع است یا خیر؟ فرموده‌اند که آن فرزند ولد به شبهه است. (پور قهرمان گل تپه، ۱۳۸۳: ۱۰۷)

طرفداران نظریه نسب نامشروع، دلیل موجهی بیان نکرده و طفل متولد شده از شبیه‌سازی را با زنا قیاس کرده‌اند. به نظر می‌رسد این قیاس صحیح نباشد؛ زیرا زنا رابطه نامشروع بین زن و مرد بوده و در نتیجه آن، طفلی متولد می‌گردد. در صورتی که در شبیه‌سازی، مقاربتی وجود ندارد بلکه طفل، حاصل استفاده از سلول جسمی می‌باشد و انعقاد نطفه تنها ناشی از ترکیب سلول جسمی و سلول جنسی است. بهتر است نسب طفل شبیه‌سازی شده را نیز همانند نسب ناشی از تلقیح مصنوعی یا رحم جایگزین، مشروع بدانیم. زیرا با توجه به ماده ۱۱۶۷ ق.م. «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» می‌توان بیان داشت که هر فرزند به پدر و مادر طبیعی خود ملحق است، مگر قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد؛ قانون تنها در مورد زنا این حکم را استثنا کرده و طفل را ملحق به زانی ندانسته است. بنابراین مناسب است همانند دیگر احکام نوین پزشکی جهت حمایت از اطفال شبیه‌سازی شده و عدم بهره‌برداری نامشروع از آنها، نسب را مشروع محسوب نماییم.

ج- آثار نسب

بنا بر مواد ۸۵۱ و ۸۷۵ ق.م. طفل زمانی دارای شخصیت خواهد بود که زنده متولد شود ولو برای لحظه‌ای زنده بماند. برای شبیه نیز از همان بدو لانه‌گزینی هسته فعال در تخمک منفعل و انتقال آن به رحم، قائل به شخصیت هستیم زیرا در صورتی می‌توان از جنین حمایت کرد و آثار حقوقی را در مورد او اجرا کرد که دارای شخصیت و ماهیت معین باشد. در این مبحث با فرض مشروعیت شبیه‌سازی انسان و رفع نسب قانونی طفل، با تکیه بر حقوق مدنی و فقه، هم‌چنین با فرض پذیرش این که صاحب سلول جسمی، حکم پدر یا مادر طفل را خواهد داشت؛ به بیان احکام حقوقی حاکم بر نسب شامل حرمت نکاح، حضانت طفل، ولایت قهری، الزام به انفاق، وصیت و توارث خواهیم پرداخت:

حرمت نکاح

از معمول‌ترین و رایج‌ترین آثار فقهی مربوط به نسب، بحث نکاح است که تفاوتی بین نسب مشروع یا نامشروع وجود ندارد. ماده ۱۰۴۵ ق.م. حرمت نکاح با اقارب نسبی را اینگونه بیان کرده است: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبه یا زنا باشد: ۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و با جدات هر قدر که بالا برود. ۲- نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود. ۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود. ۴- نکاح با عمات و خالات خود

عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات». با زنده متولد شدن طفل آثار نکاح از جمله حرمت نکاح در مورد او قابلیت اجرا خواهد داشت. بنابراین در صورتی که طفل را مشروع بدانیم با توجه به این ماده، باید حرمت نکاح با صاحب سلول جسمی یا جنسی را در مورد وی قابل اجرا دانست. در فرض نامشروع بودن نسب طفل، با استناد به رأی وحدت رویه دیوان به شماره ۱۳۷۶/۴/۳/۶۱۷ در مورد فرزندان ناشی از زنا که زانی را مکلف به گرفتن شناسنامه کرده است، می‌توان گفت حرمت نکاح میان طفل و زانی، هم‌چنین در فرض شبهه‌سازی میان طفل و صاحب سلول جسمی نیز وجود دارد.

حضانت

نگاه داشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است؛ با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک شناخته شده است (صفایی ۱۳۸۲: ۱۱۹). حضانت در لغت پروردن است و در اصطلاح مدنی، پرورش اطفال توسط ابویین و اقارب او می‌باشد. (جعفری لنگرودی ۱۳۸۶: ۱۶۶۷). حضانت تنها شامل حمایت جسمی از کودک نمی‌باشد و باید از جنبه معنوی و اخلاقی نیز به آن توجه داشت. بنابراین در صورتی که طفل را ناشی از نسب مشروع یا نزدیکی به شبهه بدانیم، بنا به ماده ۱۱۷۲ ق.م. (منصور، ۱۳۸۵: ۳۱۷) شخص دهنده سلول پیکری مکلف به حضانت از طفل می‌باشد. هم‌چنین در صورتی که میان وی و شخص دهنده سلول جنسی، رابطه زوجیت برقرار باشد و صلاحیت نگهداری از فرزند خود را دارا باشند، با استناد به ماده ۱۱۰۴ ق.م. حضانت با ایشان بوده و در صورت انحلال نکاح، حضانت چه در دختر و چه در پسر تا سن هفت سالگی با مادر خواهد بود.

ولایت

ولایت در لغت به معنی حکومت کردن، تسلط پیدا کردن، دوست داشتن، یاری دادن، دست یافتن و تصرف کردن آمده است. (دهخدا، زیرواژه) قهری در لغت به معنی جبری و اضطراری است. (معین، زیر واژه)

در اصطلاح حقوقی یعنی سلطه و اختیاری که قانون به جهتی از جهات به شخصی در رابطه با انجام امور مربوط به غیر می‌دهد. به شخصی که این سمت را دارد «ولی» و به ولایتی که به حکم قانون اعطا شده است، «ولایت قهری» گویند. با این حال در مورد طفل شبهه‌سازی شده، در وهله اول ولایت با صاحب سلول جسمی و در صورت فوت وی، با زوج یا زوجه و یا جد پدری است.

د- احکام خاص حقوقی

احکام خاص حقوقی دیگری که می‌توان برای طفل شبیه‌سازی شده در نظر گرفت، حق بر جان و تن نیز منع تجارت او است. عده‌ای هدف اصلی از شبیه‌سازی را تجارت دانسته و طفل متولد شده را برده‌ای بدون حقوق خاص مانند حق زندگی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که می‌توان با استفاده از اعضا و جوارح او جان انسان‌های دیگر را از خطر مرگ نجات داد؛ در حالی که این امر از نظر اسلام و برخی کشورها، مورد پذیرش نیست.

هم چنین این فرد از دیگر حقوق افراد طبیعی، از جمله نام خانوادگی، اهلیت، اخذ شناسنامه و نظیر آن برخوردار خواهد بود.

۱- **سند ولادت:** هر شخص با نام و اقامتگاه و اسناد ثبت احوال از دیگران تمییز داده می‌شود و مهم‌ترین وقایعی که باید به ثبت برسد وقایع چهارگانه ازدواج، طلاق، ولادت و فوت است که در ماده ۹۹۳ ق.م. اشاره شده است. شناسنامه سندی است که احوال شخصیه هر فرد آن گونه که در دفاتر سجل احوال ثبت می‌باشد در آن نوشته و به صاحب آن داده می‌شود (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۰۶).

وظیفه اعلام ولادت طفل الزامی است و با توجه به ماده ۱۶ قانون ثبت احوال در وهله اول با پدر یا جد پدری است و در صورتی که این اشخاص نباشند این تکلیف با مادر خواهد بود؛ مشروط بر اینکه قادر به انجام این وظیفه باشد. (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

از آنجا که شناسنامه از مهم‌ترین اسنادی است که برای هر شخصی در نظر گرفته می‌شود، بنابراین در مورد شخص شبیه‌سازی شده نیز باید صادر گردد که این وظیفه با والدین و یا کسانی که از این فرد نفع خواهند برد، می‌باشد. هم‌چنین با توجه به ماده ۱۹ قانون ثبت احوال، پزشک یا مامایی که به انجام عمل شبیه‌سازی پرداخته‌اند، موظفند که گواهی ولادت صادر و به سازمان ثبت احوال نیز اطلاع دهند. اهمیت این اسناد از آن جهت است که برای اثبات وضعیت افراد مورد استفاده می‌باشد؛ از جمله در صورتی که از دادن نفقه طفل امتناع گردد، می‌توان با رجوع به شناسنامه، اشخاصی را که ملزم به انفاق به این کودک هستند اجبار کرد.

۲- **نام خانوادگی:** نام و نام خانوادگی، یکی از ممیزات اشخاص حقیقی است. نام شخص در اسناد سجلی باعث تمییز فرد از افراد دیگر می‌شود ولی به دلیل تشابهاتی که در مورد نام افراد در جامعه وجود دارد، از نام خانوادگی نیز استفاده می‌شود. در تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال بیان شده است که «نام خانوادگی فرزند، همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگرچه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند». بنابراین در مورد طفل مشروعی که متولد می‌شود، نام خانوادگی پدر برای او نهاده می‌شود و در صورتی که پدر طفل معلوم نباشد، نام مادر و در صورتی که هیچ یک مشخص نباشند،

اداره ثبت احوال نام خانوادگی آزاد را طبق ماده ۱۷ قانون ثبت احوال را برای طفل قید می‌نماید؛ ولی در شناسنامه طفل قید فرضی ذکر نخواهد شد (صفایی، ۱۳۸۲: ۸۲).

بنابراین در مورد اطفال شبهه‌سازی، با توجه به این که داشتن نام خانوادگی برای تمامی اشخاص الزامی است، در فرضی که نسب این اطفال را مشروع بدانیم؛ با استناد به تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال نام خانوادگی شخص متقاضی، به طفل خواهد رسید.

این فرد با رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، حق تغییر نام خانوادگی خود را با درخواست از سازمان ثبت احوال، خواهد داشت. در صورتی که پدر طفل نیز معلوم نباشد، نام خانوادگی مادر در صورت کسب اجازه از دارنده حق تقدم، به او خواهد رسید و در صورتی که هیچ یک معلوم نباشند، نام خانوادگی آزاد برای او قید خواهد شد. این حکم در صورتی که شبهه‌سازی را ناشی از شبهه بدانیم نیز جاری خواهد شد. پس به طور خلاصه می‌توان بیان داشت در صورتی که نسب طفل را مشروع بدانیم و اهدا کننده سلول پیکری زن باشد، نام خانوادگی مادر برای او در نظر گرفته می‌شود و در صورتی که مرد باشد، نام خانوادگی وی را به طفل، خواهیم داد.

۳- اهلیت: اهلیت در لغت به معنی شایستگی داشتن، سزاوار بودن، لیاقت و شرافت آمده است.

(دهخدا، ۱۳۷۳: زیرواژه)

در علم حقوق اهلیت به معنای عام، توانایی و شایستگی شخص برای دارا شدن و اجرای حق است و در معنای خاص، توانایی و شایستگی شخص برای اجرای حق است که در حد کمال، با داشتن عقل، بلوغ و رشد فراهم می‌آید. (صفایی، ۱۳۸۲: ۸۷)

بنابراین می‌توان گفت اهلیت تمتع، توانایی و شایستگی قانونی شخص برای دارا شدن حق بوده و اهلیت استیفا توانایی برای اجرای حق می‌باشد. در صورتی که طفل اهلیت انجام امور را نداشته باشد، به آن محجور گوئیم. در مورد فرد شبهه‌سازی شده تا زمانی که زنده متولد نشده است، او را دارای اهلیت نمی‌دانیم. بنابراین افراد کلون شده همانند سایر افراد جامعه با زنده متولد شدن خود، دارای حقوقی از جمله داشتن نام خانوادگی، انجام معاملات، اهلیت استیفا و تمتع می‌باشد. هر انسانی دارای اهلیت و حقوقی در جامعه است که برای عموم قابل احترام بوده و کسی حق اسقاط این حقوق را ندارد. مانند این که شخصی بگوید حق تملک خودم را از فلان خانه معین ساقط کردم؛ این شرط قابل ترتیب اثر دادن نیست چون حقوق از مواردی است که با نظم عمومی و اخلاق حسنه در ارتباط بوده و تراضی خلاف آن‌ها قابل قبول برای قانون‌گذار نمی‌باشد. پس فرد شبهه‌سازی شده نیز از زمان انعقاد نطفه، از تمامی حقوق انسان طبیعی بهره‌مند خواهد شد و از لحظه‌ای که هسته تخمک، تخلیه شده و با هسته سلول پیکری فرد متقاضی یا دهنده تخمک، پیوند زده شود،

می‌توان آن را چنین نامید. در این صورت طفل، از تمامی حقوق متمتع خواهد شد.

نتیجه‌گیری

مسئله شبیه‌سازی یا کلونینگ از پدیده‌های نوظهور در عالم پزشکی است. شبیه‌سازی تولید موجود زنده بدون انجام عمل لقاح است و شبیه‌سازی انسان، یکی از مواردی است که واکنش‌ها و عکس‌العمل‌هایی در سراسر جهان برانگیخته است و فقط مربوط به کشورهای اسلامی نیست. در مواجهه با شبیه‌سازی، دانشمندان ادیان و عرفان و علمای فقه و اخلاق، حقوق‌دانان و اقشار مختلف جامعه نظرات موافق و مخالفی ابراز نموده و برای آن دلایل و توجیه‌هایی را مطرح ساخته‌اند.

لزوم جرم‌انگاری این تکنولوژی را در کشورمان که از معدود کشورهای صاحب این فناوری است می‌توان استنباط نمود و زینده ایران اسلامی و دستگاه قضایی و قانونگذار نمی‌باشد که علی‌رغم پیشرفت‌های شگرف دانشمندان و محققین کشور در زمینه این دانش نوین، نسبت به ضابطه‌مند نمودن آن و خلأ قانونی موجود در این زمینه غفلت ورزد، بلکه شایسته است با اتخاذ سیاست جنایی مناسب و وضع قوانین کارآمد در رفع این نقیصه اقدام نمود.

آیین مسیحیت با استناد به اصولی چون حفاظت از کرامت انسانی و حفظ حرمت زندگی، شبیه‌سازی درمانی را ممنوع اعلام نموده است و با استناد به دلایلی چون تجاوز به تصویر خدایی انسان، نقض روابط مقدس خانوادگی، شیء شدن انسان، احتمال سوءاستفاده از شبیه‌سازی، تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان و تلاش برای ایجاد ابرانسانها شبیه‌سازی مولد انسان را نیز ممنوع دانسته‌اند.

عالمان یهودی در زمینه‌ی شبیه‌سازی درمانی سه دیدگاه متفاوت و جوب، حرمت و جواز را اختیار نموده‌اند در حالی که در شبیه‌سازی مولد، گروهی از آنان با ارائه‌ی دلایلی از جمله اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن، تعارض شبیه‌سازی با لزوم نیاز به تنوع بیولوژیکی میان انواع بشر، حرمت بازی نمودن نقش خدا، حرمت مداخله‌ی بیش از اندازه در روند طبیعی زاد و ولد، خطر خودپرستی و کالا و محصول شدن انسان، شبیه‌سازی انسان را ممنوع دانسته‌اند. اما عده‌ای دیگر از شاخه‌های یهودی، شبیه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و دلایل زیر را برای نظر خویش اقامه می‌کنند: عدم وجود دلیل بر حرمت شبیه‌سازی در منابع دینی یهود، تقلید از خدا در شبیه‌سازی آدم و حوا، استفاده از شبیه‌سازی به عنوان روش درمان برای زوجین نابارور و عدم تصریح قوانین یهود به الزام به روش تولیدمثل جنسی. گروهی دیگر حکم به جوب داده‌اند زیرا این گروه معتقدند که شبیه‌سازی با هدف درمان بیماری‌ها امری واجب و فرمان خداوند است.

در مورد نسب طفل شبیه‌سازی شده، فقهای اسلامی دارای دیدگاه‌های مختلف هستند؛ گروهی

به دلیل نبودن لقاح طبیعی بین زن و مرد معتقد به نسب نامشروع هستند و حقوقی را برای این افراد قائل نیستند. تعدادی معتقد به نسب مشروع و یا نسب ناشی از نزدیکی به شبهه می‌باشند، در نتیجه به دلیل صدق عنوان تولد برای اطفال، قائل به وجود نسبت بوده و حقوق فرزندان طبیعی را جهت حمایت از این اطفال و عدم سوءاستفاده از آنها برای پیشبرد اهداف انسان، باز کرده‌اند. بنابراین در صورتی که صاحب سلول جسمی مرد باشد، پدر طفل و در صورتی که زن باشد، مادر وی خواهد شد.

با توجه به این مسائل و هم‌چنین حساسیت موضوع، پژوهش‌هایی که با سلامت انسان و جامعه در ارتباط است، همگام با تحولات پزشکی و تأکید بر رعایت موازین شرعی و دینی در کنار موازین بین‌المللی، این بار نیز به تلاشی بزرگ در بعد اخلاقی احساس نیاز می‌شود تا حفظ آزادی پژوهش و کرامت انسانی را در بر گیرد، بنابراین بهتر است برای حل معضلات و اختلاف‌نظر میان فقها در این زمینه، قانونی تصویب گردد تا هم بتوان به وسیله آن از طفل شبهه‌سازی شده حمایت کرد و هم محدودیت‌هایی را جهت عدم سوءاستفاده از وی مشخص کرد؛ دیگر اینکه جهت وحدت میان کشورها در سطح بین‌المللی، بهتر است قوانین مدونی شکل گیرد تا با استناد به آنها بتوان از اختلاف نظر کشورها در این مورد نیز پیشگیری کرد.

- ۱- آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۸۶)، تحقیقی در دین مسیح، تهران: نگارش، چاپ اول.
- ۲- آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه: آشوری، محمد و نجفی ابراندآبادی، علی حسین، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- ارفع نیا، بهشید، (۱۳۷۰)، حقوق بین الملل خصوصی، چ دوم، تهران: انتشارات بهتاب.
- ۴- اسلامی، حسن، (۱۳۸۴)، «شبهه‌سازی انسان از دیدگاه فقهای شیعه»، نشریه فقه، شماره ۴۴.
- ۵- ----، ----، (۱۳۸۵)، «شبهه‌سازی انسان از دیدگاه فقه اهل سنت»، مجله فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵.
- ۶- ----، ----، (۱۳۸۶)، «شبهه‌سازی در آئین کاتولیک»، مجله فلسفه و کلام (هفت آسمان)، شماره ۲۷.
- ۷- المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۸۳)، دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، چاپ اول، ج پنجم، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- ۸- امامی، سید حسن، (۱۳۵۴)، حقوق مدنی، چ پنجم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۹- آنترمن، الن، (۱۳۸۵) باورها و آیین های یهودی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- ۱۰- بحرالعلوم، حسن عزالدین، (۱۹۹۷)، الاستنساخ البشري و موقف الشریعة الاسلامیة، محاضرات الاستاذ الشیخ مصطفی الهندی، کویت، مکتبة الالفین.
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۴)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۱۲- جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۱)، طرح ژنوم انسانی، ویرایش اول، تهران: انتشارات یاران علمی.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۳)، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۱۴- حکاکای ان س، آبایی آ، حمامی لاله زاری ی، ستاره شناس فرهنگ و بینش یهودیان، سال دوم دبیرستان، چاپ چهارم، تهران: انجمن کلیمیان، ۱۳۸۲.
- ۱۵- خرمی، جواد، (۱۳۸۳)، «شبهه سازی انسان، پیامدها و عکس العمل‌ها»، مجله مبلغان، شماره ۱۱.
- ۱۶- خمینی، روح الله (۱۳۸۶)، تحریر الوسیله، ترجمه سید محمدباقر موسوی، ج ۴، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- ۱۷- الدمرداش، صبری، (۲۰۰۸)، الاستنساخ قبله العصر، الرياض، مکتبه العیکان، الناشر دارالفکر الحدیث، دولة الکویت.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- رضانیام معلم، محمدرضا، (۱۳۸۲)، باروری های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.

- ۲۰- ساعد، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، حقوق کیفری و شبیه سازی انسان، چ اول، تهران: موسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- ۲۱- سالاری، حسن، (۱۳۸۱)، شبیه سازی انسان، ویرایش اول، تهران: نشر حکیمان.
- ۲۲- سعدی، داود سلیمان، (۱۴۲۳)، الاستنساخ بین العلم و الفقه، بیروت، دارالحرف العربی.
- ۲۳- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۸۲)، یهودیت، چاپ اول، قم: آیات عشق.
- ۲۴- سلیمانی، حسین، (۱۳۸۴)، عدالت کیفری در آیین یهود، مجموعه مقالات، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۲۵- شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود - مذهب یهودیت، ترجمه: شریف، محمد، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- ۲۶- شبستری، سید حسن، (۱۳۸۶)، بررسی مشروعیت شبیه سازی انسانی از دیدگاه فقهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- ۲۷- شریعتمداری، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، «بدل سازی انسان»، فصلنامه حوزه و دانشگاه. شماره ۱۰.
- ۲۸- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، تلقیح مصنوعی انسان، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت).
- ۲۹- صادقی، محمود، (۱۳۸۳)، همانند سازی انسان: مروری بر دیدگاههای مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، ش ۳.
- ۳۰- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، (۱۳۷۶)، حقوق خانواده، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۱- ---، ---، (۱۳۷۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۳۲- ---، ---، (۱۳۸۰)، قاسم زاده مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۳- طباطبایی لطفی، عصمت السادات، (۱۳۸۵)، «همانند سازی انسان: احکام فقهی و پیامدهای حقوقی»، فصلنامه اندیشه های حقوقی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- ۳۴- عباسی، محمود، (۱۳۸۶)، «همانند سازی انسان: چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر»، فصلنامه حقوقی پزشکی، شماره سوم.
- ۳۵- علم الهدی، محمد، (۱۳۸۷)، «شبیه سازی و فقه» مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران.
- ۳۶- علیان نژاد، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، «دیدگاه فقهی آیت الله العظمی مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه سازی و راه های فرار از ربا»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ششم.
- ۳۷- علیان نژادی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، «شبیه سازی»، فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ششم.
- ۳۸- فرید واصل، نصر، (۱۹۹۹)، الاستنساخ البشر من عمل الشیطان، دارالفکر.
- ۳۹- قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۲)، شبیه سازی، ترجمه: نورالدین سعیدیانی. مجله دین پژوهان، شماره ۳.

- ۴۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، دوره حقوق مدنی خانواده، چ اول، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- ۴۱- ----، ----، (۱۳۸۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ دهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۴۲- ----، ----، (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق، چ دوازدهم، تهران: انتشارات مدرس.
- ۴۳- کاظمی، علی. (۱۳۸۷)، «شبهه سازی انسان و انتخاب صفات ژنتیکی برای کلون»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران.
- ۴۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول کافی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۴۵- محمدی، زینب، (۱۳۸۶)، «سلول‌های بنیادین، رهیافت‌های اجتماعی، فقهی و حقوقی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره ۴۷.
- محمدی، علی، (۱۳۸۷)، شبهه سازی انسانی ملاحظاتی علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، چاپ اول، تهران: انتشارات معارف.
- ۴۷- محمدی، علی، (۱۳۸۷)، «شبهه سازی انسان و چالشی نوین در هویت روانی»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران.
- ۴۸- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۴)، شبهه سازی انسان از منظر فقه و اخلاق، کنفرانس بین‌المللی اخلاق پزشکی قاهره.
- ۴۹- مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۰)، ادله اثبات دعوی، چ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۵۰- معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، چ نهم، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۵۱- مک‌گراث، آلیستر، (۱۳۸۴)، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه حدادی، بهروز، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، جلد اول، چاپ اول.
- ۵۲- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۵)، قانون مدنی، چ بیست و ششم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۵۳- موثق، هومن، (۱۳۸۶)، رویکرد حقوق بین‌الملل به شبهه سازی انسانی، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره اول.
- ۵۴- موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۶)، حقوق خانواده، اندیشه‌های حقوقی، چ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۵۵- -----، -----، (۱۳۸۱)، یکشنبه ۲۹ دی، بشر فراهم کننده مقتضیات زمان است، روزنامه همشهری، شماره ۲۹۶۲.
- ۵۶- مهاجری، عبدالرسول، (۱۳۸۱)، گزارشی پیرامون شبهه سازی، دفتر مطالعات زنان.
- ۵۷- هاکس، جیمز، (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- ۵۸- هوشنگی، لیلیا، (۱۳۸۶)، تلمود، درباره یهود بنی اسرائیل، چاپ اول، تهران: کتاب مرجع.
- ۵۹- هیوم، رابرت، (۱۳۶۹)، ادیان زنده جهان، ترجمه: گواهی، عبدالرحیم، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶۰- نصر، مرسل، (۱۹۹۱)، الاستنساخ اعتداء علی الفطره الالهیه، دارالفکر.

Jurisprudential, legal analysis of the human cloning in mysticism and monotheistic religions

Mostafa Ameri Siyahouei, Assistant Professor, Islamic Knowledge Department, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Iran, corresponding author¹

Faruq Touli, Assistant Professor, Islamic Knowledge Department, Medical School, Hormozgan Medical Science University, Bandar Abbas

Mohammad Najati, Associate University, Islamic Knowledge Department, Medical School, Hormozgan Medical Science University, Bandar Abbas

Abstract

As an appearing technology, cloning has attracted the attention of politicians, physicians, lawyers and other academical communities. During cloning which includes the transfer of a nucleus to a nucleus – free ovum, a creature in accordance to the donor of the nucleus will be created and along with a shedding light to the human society regarding treatment, this phenomenon poses concerns to this society. However, no decisive expression is not made by the scholars in this respect. Jewish scholars took three different viewpoints – forbidding, permission and necessity – and Christian ones forbid the cloning to the sake of protecting the human dignity. On the other hand, cloning attracts the attention of the religious and ethical scholars and from the most of the opponents' point of view, cloning of human is at least in contradiction to most of the main religious teachings and application of this technique in human realm is in contradiction to Islamic beliefs and faith. Some of the Buddhist moralists and mystics conditionally support the application of this type of technology; that is, it must be useful for those couples who dream for having a child and it must not be accompanied with pain and trouble. Contrary to this opinion, other Buddhist mystics believe that human reproduction in such a way results in deterioration of the human essence and foundation. In this research, some of the jurisprudential – legal and ethical aspects of the cloned person are analyzed. According to what is expressed about cloning, the genealogy of the cloned child can be considered as legal and similar to the natural – born child, such children are entitled to have custody, guardianship, alimony, inheritance and will among other rights.

Keywords: human cloning, mysticism, religions, semen (sperm), genealogy

¹ m.ameri1986@gmail.com